

وداها، ریگ‌ودا، فارسی، برگزیده.

گزیده سرودهای ریگ‌ودا: قدیم‌ترین سند زنده مذهب و جامعه هندو/ پیشگفتار: تارا چند/ تحقیق و ترجمه و مقدمه: محمدرضا جلالی نایینی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۵.

۷۲۱+۲۱ص: مصور.

ISBN 964-422-453-1

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

پشت جلد به انگلیسی: Selected Hymns of RG-VEDA: The Most Ancient Literary Creation of Hindus Religion and Society
این کتاب با عنوان «گزیده ریگ‌ودا: قدیمی‌ترین سرودهای آریایی هند» نیز منتشر شده است.

۱. فلسفه هندی. ۲. هندوئیسم. الف. جلالی نایینی، محمدرضا، ۱۳۹۱-، مترجم. ب. چند، تارا، ۱۸۸۸- ۱۹۷۳
Chand, Tara. ج. ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات. د. عنوان. ه. عنوان: گزیده ریگ‌ودا:
قدیمی‌ترین سرودهای آریایی هند.

۲۹۴/۵۹۲۱۲

BL۱۱۱۵/۹۴۱

۱۳۸۵

۸۱/۱۴۳۷

کتابخانه ملی ایران

گزیده سرودهای ریگ ودا
قدیم‌ترین سند زنده مذهب و جامعه هندو

Selected Hymns of RG-VEDA
The Most Ancient Literary Creation of Hindus
Religion and Society

به تحقیق و ترجمه و مقدمه: دکتر محمدرضا جلالی نایینی
با پیشگفتار: دکتر تارا چند، مورخ و فیلسوف بزرگ هند

تهران ۱۳۸۵



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان چاپ و انتشارات

گزیده سرودهای ریگ ودا قدیم‌ترین سند زنده مذهب و جامعه هندو

Selected Hymns of RG-VEDA The Most Ancient Literary Creation of Hindus Religion and Society

به تحقیق و ترجمه: دکتر محمدرضا جلالی نایینی
با پیشگفتار: دکتر تارا چند، مورخ و فیلسوف بزرگ هند

اجرای طرح جلد: محمدرضا اسلامی
ناظر چاپ: علی فرازنده خالدي

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: [آر] وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان چاپ و انتشارات

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۵
شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

© تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار
سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

شابک: ۹۶۳-۴۲۲-۴۵۳-۱
ISBN 964-422-453-1

چاپخانه:

کیلومتر ۴ جاده مخصوص کرج - نیش سه راه شیشه مینا - تهران ۱۳۹۷۸۱۵۳۱۱
تلفن: (چهارخط) ۴۴۵۱۳۰۰۲ - نمابر: ۴۴۵۱۴۲۵

انتشارات و پخش:

میدان حسن آباد - خیابان امام خمینی - نیش خیابان شهید میردامادی (استخر) - تهران ۱۱۳۷۹۱۳۱۴۵
انتشارات: ۶۶۷۰۶۸۴۲ - پخش: ۶۶۷۰۰۱۵۳ - نمابر پخش: ۶۶۷۰۷۹۲۴

فروشگاه شماره یک:

میدان حسن آباد - خیابان امام خمینی - نیش خیابان شهید میردامادی (استخر) - تهران ۱۱۳۷۹۱۳۱۴۵ - تلفن: ۶۶۷۰۲۶۰۶

فروشگاه شماره دو:

نشر کارنامه - خیابان شهید باهنر (نیاوران) - روبروی کارنامه شمالی - شهر کتاب - تلفن: ۲۲۲۸۵۹۶۴

نشانی سایت اینترنتی:
WWW.PPOIR.COM

فهرست

۱۱	پیش‌گفتار
۱۲	اما بعد
۱۹	مقدمه
۱۹	مذهب و اسطوره‌شناسی
۲۱	تاریخ اساطیر
۲۲	مشخصات اساطیر ودایی
۲۵	منابع اساطیر ودایی
۲۷	«براهمن»ها (Brāhmanas)
۲۹	اثر جغرافیا، اقلیم، آب و هوا
۳۳	اوستا و اسطوره‌شناسی
۴۶	فرضیه آفرینش جهان در ودا
۵۱	کیهان‌شناسی
۶۱	مبدأ خدایان و آدمیان
۶۵	ریگ‌ودا
۶۸	قدمت ریگ‌ودا
۷۱	طبقه‌بندی سرودها
۷۲	۱. طبیعت پرستی و تصور خدایان مختلف
۷۲	۲. جنبه‌های توحیدی یا یکتاپرستی
۷۳	۳. وحدت وجود فلسفی
۷۵	رابطه خدایان با پدیده‌های طبیعی
۷۶	ارتباط ریگ‌ودا با سایر وداها

۷۶.....	مشخصات ریگ‌ودا.....
۷۷.....	اصول اخلاقی و آداب اجتماعی.....
۸۱.....	تردید و استهزا نسبت به خدایان هندو.....
۸۲.....	تشبیهات و تعبیرات ادبی.....
۸۵.....	قربانی در ودا.....
۸۸.....	ناموس طبیعت یا نظم کیهانی.....
۹۰.....	عده خدایان ودایی.....
۹۲.....	خدایان برجسته عصر ودایی.....
۱۴۹.....	ویژگی‌های عمومی و طبقه‌بندی خدایان ودایی.....
۱۶۳.....	گویندگان سرودهای ریگ‌ودا.....
۱۶۵.....	نام‌های شاعران سرودهای ریگ‌ودا (بنا بر فهرست سروانوکرمتی).....
۱۷۵.....	ریگ‌ودا و روابط دیرپای ایران و هند.....
۱۸۵.....	گزیده ریگ‌ودا.....
۶۷۹.....	فهرست‌ها.....
۶۸۱.....	فهرست موضوعی کتاب.....
۶۹۱.....	نام‌ها و واژه‌های سنسکریت مذکور در متن این کتاب.....
۷۱۳.....	فهرست سرودهای مندرج در این کتاب.....
۱۱.....	کتابشناسی.....
۱.....	مقدمه دکتر تارا چند.....

پیش‌گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم
هست کلید در گنج حکیم
نظامی

ستایش و نیایش و حمد پی در پی، مر خدایی را سزااست که آفرینش را بیافرید و از میان آفریدگان، آدمیان را به کرامت و فضیلت و دانش و خرد برگزید و از میان آنان، پیامبران را راهنمای خلق فرمود تا مَبَشِّر و مُنَادی «توحید» شوند و مردمان را به پرستش و نیایش خدای یکتای تبارک و تعالی بخوانند و جز از خدای چیزی نخواهند و کسی را با ذات پاک پروردگار انباز نگیرند تا از شرک و دویی برکنار بمانند.

که یکی هست و هیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو

هر که حلقه بندگی خدای یکتا را آویزه گوش خود کرد، از بندگی خلق رست و به حق پیوست و دیگر او را به بُتان جان‌دار و بی‌جان کاری نیست.

و درود بی‌پایان بر سید کائنات و خاتم پیامبران، حضرت محمد بن عبدالله — صلی الله علیه و آله و سلم — و بر یاران و پیروان راستین او باد.

اما بعد

طوایف آریایی هند و ایرانی، در تاریخی که به روشنی معلوم نیست و برخی از مُحَقِّقَان آن را دست کم در حدود دو هزار سال قبل از میلاد مسیح دانسته‌اند، از طوایف دیگر آریایی هند و اروپایی جدا شدند و از میهن مشترک اصلی خود که به نظر بیش‌تر صاحب‌نظران در منطقه وسیعی در شمال ناحیه‌ای میان دریاچه «اورال» و دریای سیاه واقع شده بود؛ کوچ کردند و به سوی فلات پهناور ایران و سرزمین وسیع هندوستان روی آوردند. دسته‌ای از این طوایف در فلات ایران اقامت و تَوَطَّن گزیدند و دسته دیگر، پیش تاختند و به شمال هند هجوم بردند و سکنه بومی را منکوب و مقهور و مغلوب کردند و بیش‌تر آنان را از نواحی شمال به جنوب راندند و به تدریج بر قسمت اعظم هند استیلا یافتند.

اقوام آریایی ایران و هند، پس از استقرار و تشکیل سازمان‌های سیاسی و مذهبی و اجتماعی زمان خود، اساس دو تمدن و فرهنگ آریایی مجزا از هم، ولی خویشاوند را در ایران و هند بنیاد نهادند. طوایف آریایی هند، تمدن و فرهنگ ودایی را پدید آوردند و طوایف آریایی ایران، تمدن و فرهنگ اوستایی را پی‌ریزی کردند. این دو قوم خویشاوند، دو مکتب فکری ایران و هند قدیم را ایجاد و باز کردند و هر یک در زمینه مسائل مذهبی و ماورای طبیعی و اجتماعی و کیهان‌شناسی و علوم و ادبیات و حکمت کوشش‌های فراوان به کار بردند. ادبیات مُقَدَّس ودایی در هند تا حدی محفوظ ماند؛ اما قسمت اعظم ادبیات مُقَدَّس اوستایی در ایران در طول زمان در پی حوادث گوناگون و ناگوار از میان رفت و آنچه هم به جای مانده است، به قدمت و کهنگی ادبیات ودایی نیست و از این گذشته کم یا بیش دستخوش تجدیدنظرطلبی زردشتیان واقع شده است. با این همه از نظر تاریخی و فرهنگی و

ایران‌شناختی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و میراث ارزنده ایرانیان عهد باستان به شمار می‌آید؛ همان ایرانیانی که «زردشت» (Zarathuštra) بزرگ و «کوروش» (Cyrus) کبیر مظهر نحوه تفکر و اندیشه و تدبیر و قدرت همراه با درایت و آزادمنشی و همزیستی مسالمت‌آمیز عصر باستانی آنان شناخته شده‌اند.

پیش از کوچ کردن طوایف آریایی هند و ایرانی، از موطن مشترک اصلی طوایف آریایی هند و اروپایی، با هم زندگی می‌کردند و خدایانی را که مظاهر طبیعت بودند، مانند: آسمان و ماه و خورشید و باد و آتش، می‌پرستیدند؛ لیکن آریایی‌های هند و ایرانی علاوه بر پرستش آتش به پرستش «سوما» (Soma در اوستا «Haoma») و نوشیدن افشره مخمر سبزه «سوما» علاقه وافر نشان می‌دادند و غیر از مظاهر طبیعت به تعدادی خدایان نامحسوس نیز عقیده داشتند. ظاهراً میان طوایف آریایی هند و اروپایی — قبل از جدایی — در نحوه پرستش، اختلاف‌هایی بروز کرده بود و چنین حدس زده می‌شود که یکی از علل جدایی طوایف آریایی هند و ایرانی از دیگر طوایف آریایی، اختلاف عقیده مذهبی بوده است. آن‌چه مسلم است پیش از چهارده قرن قبل از میلاد، طوایف آریایی هند و ایرانی، خدایان «میترا» و «ورونا» و «اندرا» و «ناستیه» را پرستش می‌کردند و نام این چهار خدا در ریگ‌ودا و «اوستا» آمده و پیش از ظهور حضرت زردشت در ایران و هند مورد پرستش قرار می‌گرفتند.

در سال ۱۹۰۸ میلادی «وینکلر» (Winkler) — خاورشناس آلمانی — در «بغازکویی» (Bogaz-koï) یا (Bogazkaie) واقع شده در آسیای صغیر — نزدیک آنکارا — به سنگ‌نبشته‌هایی به خط میخی متعلق به سده چهاردهم قبل از میلاد مسیح دست یافت که در یکی از متون مذکور نام چهار خدای آریایی: «میترا» و «ورونا» و «اندرا» و

«ناستیه» نقر شده بود. متن سند کشف شده «بغازکویی» عهدنامه‌ای است منعقد میان پادشاه «هیتیت» (هیتی‌ها = Hittites) و پادشاه «میتانی» (Mitanni) که به نژاد و زبان و فرهنگ آریایی وابسته بودند.^۱

این سند ثابت می‌کند خدایانی را که در حدود ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد در «میتانی» می‌پرستیدند در هند و ایران نیز ستایش و پرستش می‌شدند. متون بغازکویی این فرضیه را که موطن اصلی اقوام آریایی در منطقه وسیعی در شمال ناحیه‌ای میان دریاچه اورال و دریای سیاه واقع شده بود تقویت می‌کند؛ زیرا هرگاه آریایی‌های هند و ایرانی از مشرق به سوی مغرب کوچ کرده بودند، وجود چنین متونی در ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد، در «بغازکویی» بعید به نظر می‌رسد.

ریگ‌ودا و «اوستا» قدیم‌ترین اثر دو قوم آریایی ایران و هنداند و هر دو از یک زبان مادرشاهی مشتق و از نظر فکری و اجتماعی و مذهبی نیز به هم بسی نزدیک‌اند.

در نحوه پرستش خدایان اقوام هند و ایرانی از عهد باستان تا زمان حاضر تحولات و تغییرات عمده و بنیانی روی داده تا جایی که دیگر خدایان دوره ودایی هندوان و خدایان اوستایی قدیم میان زردشتیان (پارسیان) ایران و هند مورد پرستش نیستند و نامشان و یادشان در خاطره‌ها کم مانده است.^۲

۱. نام اصلی و قدیمی «بغازکویی»، هتوشش (Hattushash) بوده است.
 ۲. در ایران زردشت، صلح بزرگ ایرانی پیش از بودا در صدد اصلاح مذهب ایرانیان قدیم برآمد و مذهب بهی را اعلام داشت. او با پرستش ایزدان گوناگون مخالفت کرد و «اهورمزدا» را فقط در خورشایش و پرستش دانست و دیگر ایزدان را مردود شناخت. اساس مذهب و فلسفه زردشت بر این است که دو نیرو در عالم موجودند. یکی جاذب و دیگری دافع. نیروی اول اجزای لایتجزا را به هم پیوند می‌دهد و نیروی دوم آن‌ها را از هم جدا می‌سازد. به عبارت دیگر گوید در آغاز دو روان (مینو) به وجود آمدند. یکی «اهورمزدا» و دو دیگر اهریمن. نیروی اول نور و قدرت و زندگی و راستی و خیر (یعنی اهورمزدا) است و نیروی دوم مرگ و دروغ و شر و پلیدی (یعنی اهریمن). در قبال اهورمزدای پاک و نیک به مفهوم کامل کلمه «انگړه مینیو» ی پلید و زشت قرار دارد. بر مردم است که به خیر روی آورند، یعنی اهورمزدا و از زشتی و پلیدی یعنی انگړه مینیو (پهلوی: گناک مینوک = گنه‌مینو = اهریمن) دور شوند.

در هندوستان با ظهور مذاهب جین (Jaina) و «بودایی» و آن‌گاه در دوره حماسی، تغییرات و تحولاتی ژرف در مذهب و نحوه پرستش سکنه آن‌جا پدید آمد و اساس «هندویسم» دگرگون شد. ویشنو که در «ودا» از جمله خدایان طراز اول نبود؛ در دوره حماسی مقام والاتر یافت و با «برهما» و «شیوا» به ترکیب «ثلیث هندویی» (Tri-murti) پیوست.^۱ اکنون «برهما» هم در معابد هندو معمولاً مورد پرستش واقع نمی‌شود و جز در دو معبد در جنوب هند تندیس‌ی از او برافراشته نیست.

آن‌چه مردم عصر ودایی، از مفهوم «هندویی» یا «براهمنیسم» تصور می‌کردند؛ غیر از مفهومی است که در عصر حاضر میان هندوان متداول و معمول است. مشخصاتی که اکنون در ادب «هندویی» مشاهده می‌کنیم، غالباً نتیجه تحولات و دگرگونی‌هایی است که در دوره حماسی در هند رخ داده و بعدها متأثر از دین اسلام و مسیحیت شده است.

مذهب هندو، در وضع موجود به مثابه جنگلی انبوه است که درختان گوناگونش از آبشخور اساطیر و پندارهای گوناگون آبیاری شده و پرورش و نمو یافته‌اند؛ ولی با این حال با روحیات اکثریت مردم سرزمین هند سازگار است و در عین حال یک مذهب بومی و اقلیمی نیز محسوب می‌شود. در مذهب تحوّل یافته کنونی، «برهمن» مصدر آفرینش است، با وجود این خدایان مختلفی را شریک او قرار می‌دهند. برای یک غیر هندو، آیین هندویی به صورت یک معما و پدیده‌ای

→ اجتناب ورزند. در ایران باستان تندیس‌ی از خدایان در معابد نصب نبود و فقط در معابد زردشتی تصویری از اهورمزدا نقش بر دیوار بود. در هند در دوره حماسی تندیس‌هایی از خدایان در معابد هندو برافراشته شد و این رسم معمول شد.

۱. در سه وادی اصلی اصلاً از «شیوا» نامی برده نشده است و نیز در وداها نام برهما مذکور نیست. در «شست پراهمن» (Satapatha Brahmana) نخستین بار به نام «برهما» - خدای آفریدگار - برمی‌خوریم؛ و در ودای چهارم یعنی «انهروا ودا» ظهور خدایان پرچاپتی و «شیوا» نخستین بار عنوان شده. هندیان گویند «شیوا» همان «رودرا» است که در ریگ‌ودا نامش به کرات آمده و سرودهایی چند خطاب بدو آمده و صفاتش نیز مشابه صفات «رودرا» و کارش ویرانی و خرابی یا فتنای عالم است.

غامض و پوشیده است.

البته درک دانشوران و روشنفکران هندو با پندار عوام الناس تفاوت دارد؛ یعنی باید گفت مذهب دانشوران هندو، غیر از مذهب توده‌های بی‌سواد و کم‌رشد است و در کشورهای دیگر و مذاهب گونه‌گون نیز باورهای دانایان غیر از اعتقادات نادانان است.

در جامعه هندو، هرکس با توجه به استعداد و صلاحیت معنوی (Adhikāra) خود می‌تواند خدای مورد علاقه خویش را انتخاب کند (Iṣṭa-deva یا Iṣṭa-devatā)

این دو سنت، مذهب هندو را تا حدی به هرج و مرج می‌کشاند و درک اشخاص در انتخاب خدای شخصی با هم تفاوت بسیار دارد، لیکن با همه این اختلاف‌ها خمیرمایه مذهب هندو از پرستش مظاهر طبیعت و خدایان نر و ماده‌ذهنی ترکیب یافته و در حدود چهار هزار سال است که با همه تحولات و تغییراتی که در نحوه پرستش این قوم پدید آمده، هنوز اکثریت مردم هند به این مذهب پای‌بندند و آن را باور دارند و بدان دل‌بسته‌اند.

در این‌جا نظر این نیست که اساس مذهب هندو نفی یا تخطئه و یا برعکس ترویج و تبلیغ شود؛ بلکه در این تحقیق و ترجمه به اقتضای محققان مسلمان مُتَقَدِّم، مانند علامه ابوریحان محمد بن احمد البیرونی که در مقام تتبع و تحقیق، در بیان تمدن و فرهنگ و ادب و تاریخ و نقل کتب و معتقدات اقوام غیر مسلمان با کمال بی‌طرفی و سعه صدر و دوری از هرگونه تعصب و کوته‌نظری عمل کردند و فرهنگ و تمدن پیشینیان را به ما شناسانیدند، قدم و قلم برداشته می‌شود و ریگ ودا که کهنه‌ترین سند قوم آریایی هند است، مورد بررسی و تحقیق و ترجمه قرار می‌گیرد.

در این‌جا لازم است از آقای محمدرضا اصلانی نویسنده و هنرمند معاصر و مدیر نشر نقره که چاپ اول این کتاب را انتشار داد، تشکر نمایم.

همچنین از دوست عزیز و ارجمند آقای محمد زهرایی مدیر نشر کارنامه که سرپرستی چاپ سوم این کتاب را به عهده داشتند، نهایت تشکر و امتنان دارم. و اینک از کارکنان ماهر و ارجمند شرکت چاپ و انتشار وزارت ارشاد که به طبع چاپ دیگر با مزایا و تجدید نظرهایی پرداخته‌اند تشکر و امتنان خود را ابراز می‌دارم.

والسلام علی من اتبع الهدی
سید محمد رضا جلالی نائینی
شهریور ۱۳۸۲

مقدمه

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد
فردوسی

مذهب و اسطوره‌شناسی

مذهب در گسترده‌ترین مفهوم از روزگاران کهن از یک سوی شامل استنباط و ادراک آدمی از قوای الهی و آفریننده آفرینش و مسائل ماورای طبیعی بوده و از سوی دیگر دربرگیرنده آن احساسی است که سعادت و رفاه آدمی را به نیروی الهی و قدرت و نیروی فوق بشری وابسته می‌دارد و در نهایت به صورت انواع عبادت و پرستش در مکتب‌های مختلف فکری تجلی و ظهور می‌کند. آن آدم ساده‌ای که قوای طبیعی یا سنگ و چوب را خدا می‌پندارد — هرگاه با دید بسیار وسیع در حال و وضع او نگریسته شود — دنبال خدا می‌گردد، منتها فهم و درایتش قاصر و شناخت و معرفتش نارسا است و گرنه به پرستش بتان نمی‌پرداخت. عبادت‌کنندگان اصنام و پرستش‌کنندگان مظاهر طبیعت، تصور می‌کنند که اصنام، مظاهر مختلف خدایند و می‌پندارند که بتان، آنان را به خدا نزدیک می‌کنند. قرآن کریم در این مورد در سوره «زمر» چنین فرموده است: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ».

و شاعری گفته است:

کفر و اسلام در رهش پویان وحده لاشریک له گویان^۱

۱. جلال‌الدین محمد مولوی مُتفکر بزرگ ایرانی و عالم اسلام، در مثنوی معنوی در «قصه مناجات شبان با حق تعالی در عهد حضرت موسی» از دید عرفانی همین مطلب را بیان می‌فرماید آن‌جا که گفت:

دید موسی یک شبانی را به راه
تو کجایی تا شوم من چاکرت
ای خدای من فدایت جان من
تو کجایی تا که خدمت‌ها کنم
جامه‌ات شویم شیش‌هایت کشم
ور تو را بیماری‌ای آید به پیش
دستکت بوسم بمالم پایکت
گر بدانم خانه‌ات را من دوام
ای فدای تو همه بزه‌های من
زین نمط بیهوده می‌گفت آن شبان
گفت با آن کس که ما را آفرید
گفت موسی‌های خیره‌سر شدی
این‌چه ژاژ است این‌چه کفر است و فشار
گند کفر تو جهان را گنده کرد
گفت ای موسی دهانم دروختی
جامه را بدرید و آهی کردت
وحی آمد سوی موسی از خدا
تو برای وصل کردن آمدی
هر کسی را سیرتی بنهادیم
در حق او مدح و در حق تو ذم
ما بری از پاک و ناپاکی همه
من نکردم خلق تا سودی کنم
هندیان را اصطلاح هند مدح
ما برون را تنگرم و قال را
ناظر قلییم اگر خاشع بود
چند از این الفاظ و اضمار و مجاز
آتشی از عشق در جان برافروز
موسیا آداب‌دانان دیگرند
عاشقان را هر زمان سوزیدنی است
گر خطا گوید ورا خاطی مگو
در درون کعبه رسم قبله نیست
بعد از آن در سر موسی حق نهفت
بر دل موسی سخن‌ها ریختند
چون که موسی این عتاب از حق شنید